

رهیافتی بر جایگاه مدیریت تغییر در حفاظت از مناظر شهری تاریخی بررسی موردی: محدوده مرکزی بافت تاریخی قزوین

حنانه تاج احمدی تبریزی

کارشناس ارشد مرمت و احیاء بناها و بافت‌های تاریخی، دانشکده حفاظت و مرمت، دانشگاه هنر، تهران، ایران

E-mail: hananehtaj@gmail.com

علی زمانی فرد

دانشیار گروه مرمت و احیاء بناها و بافت‌های تاریخی، دانشکده حفاظت و مرمت، دانشگاه هنر، تهران، ایران

(نویسنده مسئول مکاتبات)

E-mail: zamanifard@art.ac.ir

چکیده

در یک قرن اخیر مناظر شهری تاریخی تحت تأثیر تحولات ناشی از عوامل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و البته در پی اجرای طرح‌های بالادستی، مداخلات و تغییرات اقلیمی، دچار تغییر شدند. در چنین شرایطی جلوگیری از چنین تغییری عملاً غیرممکن شده و مدیریت این تغییرات در راستای حفاظت از شهر تاریخی ضرورت پیدا کرده است. این نوع از مدیریت به عنوان بخشی از فرآیند حفاظت شهری با تجزیه و تحلیل دقیق تغییرات و تأثیرات آن به کنترل و کاهش آثار سوء آنها می‌پردازد. هدف از این پژوهش کاربردی مدیریت تغییر در حفاظت از منظر شهری تاریخی قزوین است که از طریق شناخت ویژگی‌های بافت تاریخی و بررسی تغییرات، ارزیابی و آسیب‌شناسی آن تأمین شده است. همچنین تغییرات مناطق مسکونی، مناطق سبز و راه‌ها به طور خاص بین سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۸ با استفاده از نرم‌افزار ArcGIS10 مورد مقایسه قرار گرفتند. تغییرات رخ داده در محدوده تحت تأثیر اجرای طرح‌های توسعه شهری، با افزایش قطعات بلوک‌های مسکونی ضمن کاهش مساحت آنها، از بین رفتن شبکه معابر ارگانیک بافت تاریخی، و همچنین با کاهش چشمگیر و پراکندگی فضای سبز روبرو شده است.

کلیدواژه‌ها: شهر تاریخی، منظر شهری تاریخی، تغییرات شهری، مدیریت تغییر، بافت تاریخی قزوین

* این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد حنانه تاج احمدی تبریزی با عنوان «مدیریت تغییر به مثابه یک رویکرد در حفاظت از منظر شهرهای تاریخی، مطالعه موردی محدوده مرکزی بافت تاریخی قزوین» است که با راهنمایی دکتر علی زمانی فرد در دانشکده حفاظت و مرمت دانشگاه هنر انجام شده است.

مقدمه

منظر شهری تاریخی به مثابه محصول یک لایه‌بندی تاریخی از ارزش‌های فرهنگی و طبیعی شناخته می‌شود که مفهومی فراتر از مفهوم «مرکز تاریخی» یا «مجموعه» است و شامل بستر گسترده‌تر شهری و محیط جغرافیایی پیرامون آن می‌گردد (UNESCO, 2011). در یک قرن اخیر در ایران، همانند بسیاری از کشورها، مناظر شهری تاریخی تحت تأثیر تحولات ناشی از عوامل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و البته در پی اجرای طرح‌های بالادستی، مداخلات گسترده و تغییرات اقلیمی، دچار تغییر شده‌اند.

مداخلات فضایی چه آگاهانه و چه ناآگاهانه، در سازمان فضایی شهر تأثیر می‌گذارند و چهره کالبدی شهر را تغییر می‌دهند. مداخلات آگاهانه که در مسیر تداوم تاریخی و با آگاهی کامل از عوامل تضمین‌کننده محیط و اقلیم، اقتصاد و نحوه نگرش به جهان انجام گردیده‌اند، از منظر ریخت‌شناسی شهری، فضایی ملموس، قابل درک و اطمینان‌بخش راسبب شده‌اند، اما مداخلات ناآگاهانه، که به شهر چون موجودی منجمد نگریسته‌اند باعث انهدام سازمان فضایی آن گردیده‌اند و چهره‌ای کریه‌بدان بخشیده‌اند (حبیبی، ۱۳۷۵، ۵). تغییرات کالبدی سریع در شهرهای ایران که در نتیجه تمرکز فعالیت‌ها و حرکات سریع جمعیت بوده است، تغییراتی در بخش قدیمی و در بخش جدید شهر ایجاد کرده است که در تداوم منطقی با گذشته نیستند (توسلی، ۱۳۹۵، الف، ۸ و ۲۷).

در واقع حرکت به سمت آینده بدون تغییر میسر نیست و نمی‌توان جلوی تغییر را گرفت. همانطور که برک پور و اسدی اشاره دارند توسعه شهری^۱ آخرین و جدیدترین محصول فرآیند تغییر^۲ شهری است (برک پور، اسدی، ۱۳۸۸، ۹). نیاز به تغییر در شهرهای تاریخی را باید پذیرفت و دستیابی به پایداری در محیط تاریخی عملاً می‌تواند به معنای کنترل تغییرات و انتخاب دستورالعمل‌هایی برای افزایش سرمایه اثر بخش بر روی میراث گذشته باشد. بنابراین در هرگونه تصمیم‌گیری درباره شهرهای تاریخی، مدیران شهری با مسائلی همانند چگونگی کاهش عواقب احتمالی متأثر از تلاش برای پاسخگویی به نیازهای روز و همچنین چگونگی ایجاد توازن مابین حفظ ارزش‌ها و حرکت به سمت توسعه و دستیابی به زیرساخت‌های جدید مواجه هستند (Fair-clough, 2003). توجه به منظر شهر تاریخی با تکیه بر مدیریت تغییرات آن به مثابه یک ابزار کلیدی در برنامه‌ریزی یکپارچه برای مدیریت شهر تاریخی در توسعه شهری مدرن با هدف حفظ ساختار اجتماعی، زمینه همگرایی اقدامات حفاظتی و توسعه‌ای را در محدوده‌های واجد ارزش شهری از طریق تعیین جایگاه دقیق تغییر در ابعاد مختلف شهر تاریخی فراهم می‌کند (باندربین، ون اوئرز، ۱۳۹۶; Denyer, 2011; Liu, 2011; Fairclough, 2003; Pereira Roders, 2013; Tutner, O-Donnel, 2012; Andrews, Buggey, 2008).

هدف از حفاظت شهری، حفاظت از موجودیت منظر فرهنگی شهر و حس مکان آن است و مدیریت تغییر^۳ بخشی از فرآیند حفاظت شهری است. در اینجا حفاظت شهری به عنوان بهترین تغییر شهری تصور می‌شود و باید مدیریت تغییر را برای پاسخ به این پرسش‌ها که در آینده تغییر شهری، چه چیزی می‌تواند تغییر کند؟ چه چیزی باید حفظ شود و چه مقدار قابل تغییر است؟ به عنوان بخشی از سیاست حفاظت شهری در نظر گرفت تا اصول مناسبی را برای اقدامات حفاظت از شهرها و برای کمک به تداوم فرهنگی شهر ارائه نمود (Liu, 2011). قزوین به عنوان یکی از شهرهای تاریخی ایران با سابقه سکونت قابل توجه در دشت آن (اشراقی، ۱۳۹۰)، دارای بافت تاریخی با ارزش‌های خاص خود است (ورجاوند، ۱۳۷۸). ترکیبی از ساختار اقتصادی^۴، محله‌های مسکونی تاریخی^۵، بناهای تاریخی^۶ و باغستان سنتی^۷ که در کنار یکدیگر مجموعه‌ای ارزشمند از ویژگی‌های منظر تاریخی شهر قزوین را می‌سازند (مجابی، ۱۳۸۸، ۲۷۹).

این شهر با تعداد قابل توجهی از بناهای تاریخی موجود در فهرست آثار ملی^۸ از گزند دخل و تصرفات نامتناسب شهری در امان نبوده^۹ و میزان مداخلات ناشی از توسعه، صدمات جبران‌ناپذیری به منظر تاریخی آن وارد

کرده است^{۱۰}. همراه با تغییر الگوی زندگی^{۱۱} و افزایش جمعیت شهرنشین^{۱۲}، بافت تاریخی شهر در معرض مداخلات کالبدی اعم از تخریب و تعریض معابر، خیابان‌کشی‌ها و به هم‌ریختگی ساختار فضایی، تخریب محیط‌زیست و باغستان‌های سنتی آن قرار گرفته، به‌نحویکه در مواقعی، بخش‌های مهمی از شهر تاریخی از میان رفته است (علی‌الحسابی و جباری، ۱۳۹۰؛ اندرودی و صحراکاران، ۱۳۹۶). از نظر صاحب‌نظران (ورجاوند، ۱۳۷۸؛ مجابی، ۱۳۸۸؛ فلامکی، ۱۳۹۴)، زمینه اصلی این مداخلات گسترده در منظر شهری تاریخی قزوین، تحت تأثیر عدم وجود جامع‌نگری در مسائل شهر تاریخی و نبود مدیریت و برنامه‌ریزی متناسب برای شهر و شهروندان است. لذا به نظر می‌رسد برای حل معضلات و مشکلات پدید آمده در منظر شهر تاریخی قزوین، کاربست رویکردی جامع برای تعیین دقیق جایگاه تغییرات در منظر شهر تاریخی با دربرگرفتن لایه‌ها و ابعاد مختلف شهر، فهم دلایل وقوع تغییرات، شناسایی نیروهای عامل در این تغییرات و اثرات حاصل از وقوع آن‌ها اجتناب‌ناپذیر خواهد بود.

بدین منظور بخش مرکزی بافت تاریخی قزوین که قسمت‌هایی از هفت محله تاریخی فشتهول و بلاغی، سرکوجه‌ریحان، خیابان، دیمج، قملاق، آخوند و خندق‌بار را شامل می‌شود، در این پژوهش مورد توجه قرار گرفته و با توجه به ویژگی‌های منظر شهر تاریخی به ارزیابی و آسیب‌شناسی آن پرداخته شده است. پرسش اصلی مورد توجه پژوهش حاضر، متمرکز بر چگونگی بهره‌مندی از مدیریت تغییر به مثابه یک رویکرد در آسیب‌شناسی و ارزیابی مناظر شهری تاریخی در قزوین است. در این راستا پرسش‌هایی که در این پژوهش مطرح می‌گردند، شامل موارد زیر است:

- ویژگی‌ها و قابلیت رویکرد مدیریت تغییر چه نقشی می‌تواند در حفاظت از منظر شهری تاریخی قزوین ایفا نماید؟
- تأثیرات حاصل از وقوع تغییرات در بخش مرکزی بافت تاریخی قزوین به ویژه محله‌های مورد پژوهش چیست و چه پیامدهایی با خود به همراه داشته است؟
- نیروهای هدایت‌کننده تغییرات و نیز علل و عوامل موثر در وقوع تغییر در منظر تاریخی شهر قزوین کدام است؟

پیشینه تحقیق

موضوع مدیریت تغییر در بحث حفاظت از مناظر شهری تاریخی و شهرهای تاریخی صراحتاً در قرن بیستم توسط مجامع جهانی مرتبط با یونسکو (ایکوموس) مطرح شد. زمره‌های توجه به تغییرات در شهرهای تاریخی از سال ۱۹۷۲ آغاز شد؛ آنجا که بیانیه بوداپست (۱۹۷۲) صراحتاً تغییر و کاهش توجه به ارزش‌های جمعی را به واسطه توسعه و فناوری و... مطرح کرد و نخستین بیانیه‌ای است که بر لزوم برنامه‌ریزی و حفاظت شهری تأکید دارد (پدرام، هوشیاری، ۱۳۹۶، ۱۸). به دنبال آن ضرورت ثبت اطلاعات، ایجاد مدیریت آگاهانه، مهار ساخت و سازها و کنترل هرگونه تغییر با هدف برنامه‌ریزی همراه با حساسیت‌ها، سیاست‌ها و تصمیماتی جهت کنترل توسعه مطرح شد (ICOMOS, 1996). هرچند که لزوم توجه به تداوم و تغییر در مناظر شهری تاریخی نخستین بار در بیانیه سن‌آنتونیو^{۱۳} (۱۹۹۶) عنوان شد^{۱۴}. در آن مقطع زمانی برنارد م. فیلدن و بوکا یوکیلتو^{۱۵} (۱۹۹۸) نیز به عنوان دو فرد تأثیرگذار در جهت‌گیری‌های مدیریت حفاظت از میراث معماری و شهری، یکی از اهداف حفاظت شهری را کنترل سرعت تغییر در سیستم شهری دانسته و ضرورت آگاهی از نیروهای حیات در این سیستم و عوامل بالقوه تاثیرگذار در ویرانی شهرهای تاریخی را گوشزد کردند. به همین دلیل بود که در ادامه جهت‌گیری‌های مجامع تخصصی بین‌المللی مرتبط با ایکوموس در انتهای قرن بیستم، مفهوم مدیریت تغییر

با تأکید بر منزلت فرهنگی یک مکان به صراحت مورد توجه قرار گرفت^{۱۶} (منشور بورا^{۱۷}، ۱۹۹۹) و در آغاز قرن جدید نیز بر لزوم توجه به تأثیرات ناشی از تغییر بر بستر سازه‌ها، محوطه‌ها و مناطق میراثی و ضرورت پایش و مدیریت تغییرات^{۱۸} (بیانیه شی آن^{۱۹}، ۲۰۰۵)، اهمیت و ضرورت مدیریت تغییر در رویکرد منظر شهری تاریخی^{۲۰} با توجه به توسعه و تغییرات شهر (یادداشت وین^{۲۱}، ۲۰۰۵) تأکید شد و گام‌های اصلی در جهت به رسمیت شناختن مدیریت تغییر در مهمترین مجامع علمی مرتبط با بناها، شهرها و مناظر تاریخی فرهنگی برداشته شد. از این پس تعریف جدیدی از حفاظت پیش‌روی فعالان حوزه قرار گرفت که آن را به مثابه فرایندی برای مدیریت تغییرات^{۲۲} (اصول حفاظت میراث انگلیس^{۲۳}، ۲۰۰۸) دانسته است تا بتوان از طریق آن ارزش‌های میراث را برای نسل‌های حال و آینده تقویت نمود. از یک سو ضرورت شناسایی تغییرات منجر به تهدید روح مکان، و تأکید بر پیشگیری از تنزل روح مکان و محیط آن^{۲۴} (بیانیه کبک^{۲۵}، ۲۰۰۸) و از سوی دیگر استفاده از مدیریت تغییر منظر شهری تاریخی در ایجاد توسعه پایدار و تعادل بخشی مابین حفاظت و توسعه در شهرهای تاریخی (توصیه‌نامه منظر شهری تاریخی یونسکو^{۲۶}، ۲۰۱۱) بال‌های اصلی اقدامات حفاظتی در شهرهای تاریخی شدند؛ به ترتیبی که در صیانت و مدیریت شهرها و مناطق تاریخی با توجه به تداوم تغییرات در آن‌ها، ضرورت و اهمیت بررسی همه جوانب تغییر در محیط طبیعی، محیط انسان‌ساخت و محیط اجتماعی^{۲۷} در مدیریت تغییر شهرهای تاریخی به عنوان یک اصل مطرح شد (اصول والتا^{۲۸}، ۲۰۱۱).

به موازات رهنمودهای جهانی، طی دودهه اخیر پژوهش‌های علمی نیز موضوع مدیریت تغییر در ارتباط با منظرهای تاریخی، شهری و فرهنگی را دستمایه پژوهش‌های خود قرار داده‌اند. به طور مثال وی کانگ لیو (۲۰۱۱) طرحی را برای شهر «تاینان^{۲۹}» در جنوب تایوان ارائه کرد و در این طرح ضمن ترویج توسعه امکانات جدید یک مکان در عین حفاظت از نسبت‌های تاریخی آن، به تلفیق مورفولوژی شهری و رویکرد زندگی روزمره پرداخته است. او از این طریق مراقبت از حافظه تاریخی و سنت‌ها را در کنار پرورش احساسات جدید در مکان، امکان‌پذیر نمود (Liu, 2011). در راستای کاربرست رویکرد «مدیریت تغییر» نیز دو طرح در دهه ۱۹۹۰ اجرایی شد. نخست «برنامه ویژگی‌های منظر تاریخی انگلستان» بود که اصول حفاظت بر اساس مفهوم «مدیریت تغییر» را با درنظر گرفتن ذینفعان و خصوصیات مناطق را با استفاده از الگوی سکونتگاه‌های تاریخی تعریف نمودند. این برنامه به سازوکار مهمی برای حفاظت و مدیریت تغییر در محیط‌های تاریخی تبدیل شد (Fair-clough, 2003). سپس برنامه «راهبرد بلودره^{۳۰} در هلند» با هدف حفاظت از طریق توسعه اجرایی شد. این برنامه نه با مخالفت و رد تغییرات و نه با دفن گذشته، بلکه با جست‌وجوی راه‌هایی موثر برای ایجاد موقعیت برد-برد، صورت پذیرفت (Janssen, Luiten, Renes, & Rouwendal, 2014).

بررسی‌های این پژوهش نشان می‌دهد که موضوع مدیریت تغییر در شهرهای تاریخی ایران، محدود به معدود پژوهش‌های مرتبط به پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد است و با توجه به در دسترس نبودن طرح و برنامه‌های مصوب در این زمینه، به نظر می‌آید تاکنون در عمل طرح و برنامه‌ای مبتنی بر مدیریت تغییر در شهرهای تاریخی تدوین نشده است. از جمله پژوهش‌های مرتبط با شهر تاریخی قزوین می‌توان به پژوهش مهناز عزیزی (۱۳۸۱) که به بررسی تحولات کالبدی بخش مرکزی قزوین با تأکید بر تغییرات کاربری زمین^{۳۱} و فائزه ترکمانها (۱۳۸۹) که به سنجش تطابق توسعه شهر قزوین با سیاست توسعه از درون شهری^{۳۲} پرداخته‌اند، اشاره کرد.

روش تحقیق

این تحقیق تلاش دارد تا نتایج حاصله از بررسی مدیریت تغییر به مثابه یک رویکرد در حفاظت بافت‌های تاریخی شهر قزوین را به کار گیرد، لذا از نوع اقدام‌پژوهی است. در بخشی که به مطالعات گذشته شهری

می‌پردازد، توصیفی، در قسمتی که به تجزیه و تحلیل تغییرات می‌پردازد، تحلیلی و در بخش پیاده سازی مدیریت تغییر، تجربی است. اطلاعات مورد نیاز در این پژوهش از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی بدست آمده است، تغییرات جمعیتی از طریق مطالعه متون تاریخی و اطلاعات آماری و تغییر و تحولات مربوط به جامعه از طریق مشاهدات و مصاحبه‌های میدانی و مطالعات طرح‌های جامع کسب شد. تغییرات مناطق مسکونی، مناطق سبز و راه‌های محدوده پژوهش از دوران صفوی تا امروز مطالعه شده و به طور خاص بین سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۸ با استفاده از نرم افزار ArcGIS10 دیجیتالی شدند که از طریق اطلاعاتی که از تصاویر هوایی و مطالعات میدانی دریافت شد، نقشه مناطق مسکونی، مناطق سبز و راه‌ها و معابر دسته بندی شده و مورد مقایسه قرار گرفتند.

چارچوب نظری

«تغییر»، چه فردی و چه اجتماعی واقعیتی انکار ناپذیر در زندگی بشری است و بر همه ارکان زندگی او سایه می‌اندازد. شهرهای تاریخی نیز از این قاعده مستثنی نیستند و در معرض تغییر بوده و هستند. این تغییرات بر همه عناصر (طبیعی، انسانی، ملموس و ناملموس) شهر تأثیر می‌گذارند که جوانب این تغییرات شامل تغییر محیط طبیعی، تغییر محیط ساخته شده، تغییر در کاربری و محیط اجتماعی و تغییر میراث ناملموس است (Quebec Declaration, 2008). بدین ترتیب بر رویه حفاظت شهری شش فرآیند شامل شهرنشینی، توسعه شهری، تغییر اقلیم، نقش در حال تغییر اجتماعی - اقتصادی شهرها، گردشگری و درک ارزش‌های میراث شهری موثر است که در حال تغییر هستند و به عنوان عوامل مهم در تغییر موقعیت شهر تاریخی در جوامع معاصر شناخته می‌شوند (باندیرین، ون اوئرز، ۱۳۹۶، ۱۲۱-۱۲۳).

مدیریت تغییر بخشی از فرآیند حفاظت شهری است. حفاظت شهری به عنوان بهترین شکل تغییر شهری تصور می‌شود و باید آن را به عنوان بخشی از سیاست حفاظت شهری در نظر گرفت. برای کمک به تداوم فرهنگی این شهرها، این اصول نشان خواهد داد که در آینده تغییر شهری، چه چیزی می‌تواند تغییر کند؟ چه چیزی باید حفظ شود و چه مقدار قابل تغییر است؟ (Liu, 2011).

پاتریشیا ادونل و مایکل ترنر^{۳۳} (2012) ساختار توسعه را یکی از جنبه‌های مهم تکامل مداوم یک شهر دانسته و اشاره می‌کنند که نمایش تغییر در شخصیت شهری می‌تواند شخصیت سنتی و حس مکان را به حدی مختل نماید که قابل تشخیص نباشند. تغییر دادن باید به طور ایده‌آل با هماهنگی با گذشته تصور شود، نه در تقابل با آن. متخصصان طراحی و میراث باید به شیوه‌ای فراگیر و بین‌رشته‌ای کار کنند تا بتوانند منابع متنوعی از میراث شهری مشترک ما را به روشنی شناسایی، مستند سازی، تجزیه و تحلیل و بیان کنند تا مدیریت تغییر شهری بتواند جامع، مؤثر، قابل دفاع و تکرار شونده باشد. رویکرد منظر در این فرایند به کمک آمده و باعث تقویت کثرت و تنوع میراث شهری و ظرفیت آن برای تداوم و تغییر می‌شود (O-Donnel, Turner, 2012). فرانچسکو باندیرین و رون ون ائروز^{۳۴} (2012) مدیریت تغییر را رویکرد حفاظت برای پیش‌بینی و تنظیم فرآیندهای توسعه شهری در شهرهای تاریخی دانسته و مفهوم تغییر پایدار در نواحی شهری تاریخی را در فرایند مدیریت، در اولویت دانسته‌اند که می‌تواند پیوستگی کیفیت‌هایی را که نسبت به شاخص‌های مرتبط تعریف شده‌اند تضمین نماید (باندیرین، ون اوئرز، ۱۳۹۶، ۱۲۲). ادوارد فینچ^{۳۵} (2012) با تأکید بر ماهیت تغییر و تأثیرات آن، تمرکز بر روی مشارکت انسانی را برای موفقیت در هر چالشی برای مدیریت تغییر مهم دانسته است. آن‌ها تجزیه و تحلیل دقیق قبل از ایجاد هر نوع تغییر و شناسایی نیاز به تغییر را گامی مهم برای فرایند مدیریت تغییر می‌دانند (Finch, 2012, 13). آنا پیرا رودرز^{۳۶} (2013) با توجه به نقش طبیعت و بشر در تغییر و پویایی

شهر و حفظ اهمیت معنایی آن تأکید دارد و بیان داشته است که تغییر همیشه در همه دوران‌ها و فرهنگ‌ها رخ می‌دهد. در ارتباط با میراث منظر شهری تاریخی محدوده قابل قبول تغییر و تحولات تا زمانی مجاز هستند تا از اهداف اصلی حفظ و بازیابی ویژگی‌های میراث فرهنگی منحرف نشوند، هر چند به ندرت محدوده مشخصی از تغییر قابل قبول است. به‌نحویکه برگشت‌پذیر باشد و فراتر از وضعیت اصالت و یکپارچگی نرود (Pereira, 2013; Roders, 2013). کایا تانریوردی آیسگال^{۳۷} (2016) نیز در ارزیابی تغییرات منظر تاریخی شهری شهر "کن نیورالپ" ترکیه، با تمرکز بر ارزیابی آسیب‌پذیری میراث شهری تحت فشارهای اجتماعی و اقتصادی، حفاظت شهری را به عنوان ابزار مدیریت تغییر با در نظر گرفتن آن در چارچوب برنامه‌ریزی وسیع‌تر در قالب منظر شهری تاریخی مورد توجه قرار داده است (Aysegul, 2016). از نظر سوزان دنیر^{۳۸} (2017) برای حفاظت از مناظر فرهنگی و ایجاد سیستم‌های حمایتی موثر، درک کاملی از محیط، مردم و نیروهای شکل‌دهنده ارزش‌ها نیاز است. در دستیابی به تعادل مطلوب نیروها در مناظر فرهنگی نباید تنها به علائم تغییر واکنش نشان داد، بلکه باید از طریق تقویت توسعه پایدار، به مدیریت اصالت در مناظر فرهنگی پرداخت (Denyer, 2017).

لزوم ایجاد پایداری برای محیط‌های تاریخی به معنای کنترل تغییرات، انتخاب دستورالعمل‌هایی است که بیشترین تأثیر را بر روی میراث تاریخی دارند (Fairclough, 2003) و همانطور که فیلدن و یوکهلپیتو اشاره داشته‌اند لازم است که در مورد نیروهای حیات در شهر تاریخی و عوامل بالقوه‌ای که موجب تغییر و ویرانی آن‌ها می‌شوند، آگاه باشیم. بر این اساس باید به وسیله مدیریت حفاظت شهری به بررسی عملکردی و گونه‌شناسی دقیق و تهیه برنامه بازسازی پرداخته شود و تمام تغییر و تحولات را کنترل، تناقضات را از بین برده و توسعه تدریجی را در مناطق ویران شده عملی نمود. علاوه بر این تجربه نشان داده که حداقل دخالت در نقاط کلیدی برای جامعه بهتر است. شهرهای میراث فرهنگی باید مکان‌هایی باشند که مردم در آنجا زندگی کرده، کار می‌کنند و اوقات فراغتشان را بگذرانند، به عبارت دیگر این مناطق موزه نیستند (فیلدن، یوکهلپیتو، ۱۳۹۳، ۱۱۱ و ۱۱۲). مدیریت تغییر دارایی‌های فرهنگی یک رویکرد به اثبات رسیده با مفاهیم تکامل پایدار است، بنابراین برای مدیریت تغییر در زمینه دارایی‌های میراث فرهنگی باید به ویژگی‌ها و عناصر خاصی که این دارایی‌ها را تشکیل می‌دهند، توجه بیشتری داشته باشیم چونکه نشان‌دهنده اهمیت فرهنگی، اصالت و تمامیت آن‌هاست. با نظارت منظم مشخص می‌شود که چه اتفاقی در حال رخ دادن است و چرا باید پیشنهاددهای توسعه فضایی رد شود. مدیریت مبتنی بر ارزش‌ها روشی است که از نظر کمک به مدیران جهت مدیریت تغییر در زمینه دارایی‌های میراث فرهنگی بسیار موفق بوده، با این حال مهمتر از شیوه‌های انتخاب شده، وضوح در مورد ارزش‌های فرهنگی است که حامی فرآیند تصمیم‌گیری است (Finch, 2012, 187).

لذا به منظور کاربست مدیریت تغییر در حفاظت از منظر شهری تاریخی قزوین، تبیین ویژگی‌های منظر شهری تاریخی و بررسی تغییرات آن، زمینه‌ای برای تبیین اصول و چارچوب‌های کلی حفاظت از بافت تاریخی با اتکا به این رویکرد خواهد بود. چراکه اهمیت مدیریت تغییرات بر اساس دارایی‌های فرهنگی و طبیعی، آنجایی مشخص می‌شود که در تمام دوران توسعه شهر چه در زمان معاصر و چه در آینده، به عنوان بهترین رویکرد برای اداره کردن، ارائه کیفیت و کمیت تغییرات در شهر تاریخی، موثر واقع می‌گردد و منجر به همسو نمودن فرآیندهای حفاظت و توسعه از طریق تعیین دقیق جایگاه تغییر در ابعاد گوناگون شهر شده است و در نهایت پایداری در شهر تاریخی را به ارمغان می‌آورد (باندیرین، ون اوئرز، ۱۳۹۶؛ Fairclough, 2003; Liu, 2011 De-nyer, 2017; Aseggul, 2016; Pereira Roders, 2013; Tutner, O-Donnel, 2012; Andrews, Buggey, 2008; ICOMOS, 2011; Paris Declaration, 2011). بر اساس مطالعات صورت گرفته که در شکل ۱ نشان داده شده است، رویکرد مدیریت تغییر شامل ۹ مرحله به شرح زیر است:

- تصمیم مدیریتی برای مواجهه با تغییر،
- شناخت و درک زمینه،
- شناسایی ارزش‌ها و اهمیت دارایی‌ها به عنوان عناصری که باید در برابر تغییر حفظ شوند،
- تشخیص تغییرات رخ داده در منظر شهر تاریخی،
- بررسی و شناسایی عوامل زمینه‌ای ایجاد تغییر که با تأثیر غیر مستقیم سبب وقوع تغییر می‌شوند،
- شناسایی عوامل وقوع تغییر با تأثیر مستقیم در بافت تاریخی،
- ارائه طرح و راهبردهای مدیریتی متناسب با ویژگی‌های منظر شهری تاریخی،
- اجرای طرح مدیریتی،
- نظارت و ارزیابی روند مدیریت تغییر.



شکل ۱. فرآیند مدیریت تغییر مورد توجه در پژوهش حاضر

معرفی محدوده مورد مطالعه

قزوین به عنوان یکی از شهرهای تاریخی ایران با سابقه سکونت قابل توجه در دشت آن (اشراقی، ۱۳۹۰)، دارای بافت تاریخی با ارزش‌های خاص خود است (ورجاوند، ۱۳۷۸). ترکیبی از ساختار اقتصادی، محله‌های مسکونی تاریخی، بناهای تاریخی و باغستان سنتی در کنار یکدیگر مجموعه‌ای ارزشمند از ویژگی منظر شهری تاریخی قزوین را می‌سازد (مجابی، ۱۳۸۸، ۲۷۹). بافت تاریخی قزوین شامل محدوده شکل‌گیری هسته اولیه تا پایان دوران صفویه و توسعه متأخر از پایان دوران صفویه تا آغاز تدوین نخستین طرح توسعه شهری قزوین می‌شود (مهندسان مشاور شهر و برنامه، ۱۳۸۵، ۴۴). این شهر در دوران قاجار، دارای شانزده محله به نام‌های دیمج، قملاق، سوق‌الانعام (قویمیدان)، پنبه‌ریسه، درب‌ری، مغلاوک، گلبینه، درب‌کوشک، فشتهول و بلاغی، راه‌چمان، تنورسازان، دباغان، سکه‌شریحان (سرکوجه‌ریحان)، خیابان و خندق‌بار بوده (دبیرسیاقی، ۱۳۸۰) که در شکل ۲ نمایش داده شده است.



شکل ۲. نمایش محله‌بندی شهر قزوین در دوران قاجار^{۲۹} و محدوده بافت تاریخی بر روی عکس هوایی سال ۱۳۵۴

ساختار محلات قزوین در دوره قاجار در سه دسته شامل: الف- محلات با ساختاری مبتنی بر مرکزیت مرکز محله، مانند محله آخوند، ب- محلات دارای ساختاری با استخوان‌بندی محوری، مبتنی بر بازارچه در محله قملاق و یا فاقد آن مانند راه‌ری، ج- محلات با ساختار ترکیبی مانند محله درب کوشک که در بخشی ساختار محوری دارد و در بخشی فاقد ساختار مشخص و منسجم جای می‌گیرد. بخشی از این تنوع شکلی و ساختاری محلات قزوین، ناشی از طرح‌های شهری و موضعی دوره‌های صفوی و قاجاریه، احداث خیابان و گذرهای مستقیم است و سایر عوامل را می‌توان در تحولات هسته‌های شهری جست (پرهیزکاری، ۱۳۹۸، ۱۶۳).

محلات مورد پژوهش شامل: فشتهول و بلاغی، سرکوجه ریحان، خیابان، دیمج، قملاق، آخوند و خندق بار است که موقعیت این محلات در بافت تاریخی در شکل ۳ و نسبت به شهر در شکل ۴ نمایش داده شده است.



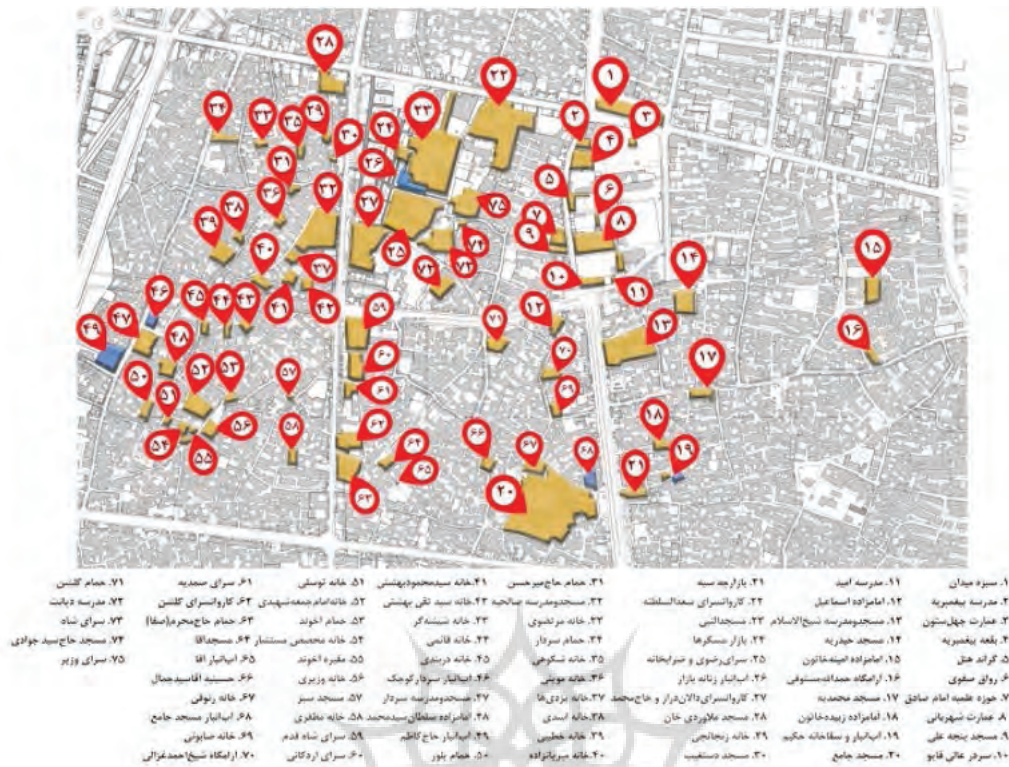
شکل ۳. نمایش محدوده بافت تاریخی شهری قزوین و محلات مورد پژوهش در بخش مرکزی بافت تاریخی شهر بر روی عکس هوایی ۱۳۵۴



شکل ۴. محدوده شهر قزوین در سال ۱۳۹۸، بافت تاریخی و محدوده مورد پژوهش
منبع: سازمان نقشه برداری کشور، مأخذ نقشه محلات و محدوده بافت تاریخی: پرهیزکاری، ۱۳۹۸، ۱۶۴

مهمترین ویژگی‌های بافت تاریخی شهر قزوین و ضرورت مدیریت تغییر در آن‌ها

از منظر بُعد فرهنگی و تاریخی، بافت تاریخی شهر قزوین دربردارنده بناهای تاریخی متعددی شامل کاخ چهل ستون، سردر عالی قاپو، گراند هتل، مسجد جامع، مسجد حیدریه، کاروانسرای سعدالسلطنه، بازار تاریخی، خانه‌های تاریخی متعدد، مدرسه‌ها، گرمابه‌ها، آب انبارها و... است. همچنین شبکه دسترسی ارگانیک شهر تاریخی، برخی خیابان‌ها و معابر تاریخی همچون خیابان سپه، خیابان پیغمبریه، خیابان مولوی و... است که در شکل ۵ و ۶ مشخص شده‌اند. از نظر ابعاد اقتصادی و اجتماعی، مجموعه ساکنان اصیل در بافت، مشاغل تاریخی و با هویت در بازار قزوین، و آداب و رسوم و آیین‌های تاریخی و مذهبی نیز که ایام مختلف توسط ساکنان محلات انجام می‌گیرد، همگی در مجموع اجزا و عناصر با ارزش موجود در بافت تاریخی شهر قزوین را تشکیل می‌دهند و مولفه‌های اصالت‌بخشی هستند که باید به درستی در برابر تغییرات حفاظت شوند. این مولفه‌ها در جدول ۱ نمایش داده شده است.



شکل ۵. عناصر فرهنگی و تاریخی موجود در محدوده مورد پژوهش



شکل ۶. نقشه دوره‌بندی خیابان‌های بافت تاریخی قزوین و محدوده مورد پژوهش

جدول ۱. ارزش‌ها و مولفه‌هایی که باید در برابر تغییرات حفاظت شوند

| ابعاد | ارزش‌ها و مولفه‌هایی که باید در برابر تغییرات حفاظت شوند |
|------------------|--|
| فرهنگی- تاریخی | - مجموعه بافت تاریخی - بناهای تاریخی - جداره‌های تاریخی - خیابان‌ها و معابر تاریخی - باغات و درختان کهنسال |
| اقتصادی- اجتماعی | - ساکنان اصیل بافت - مشاغل با اصالت و تاریخی شهر - آداب و رسوم و آیین‌های تاریخی و مذهبی |

بررسی تغییرات محدوده مورد پژوهش

شرح مهمترین تغییرات اقتصادی: تا قبل از دوران پهلوی شهر قزوین یکی از مراکز مهم تجاری ایران محسوب می‌شد. حد حریم مجموعه بازار قزوین، خیابان‌های مولوی، امام خمینی، شهید انصاری و پیغمبریه است (شکل ۵ و ۶). قسمت بازار قزوین در دوره صفویه احداث گردیده و در دوره قاجار نیز تغییراتی در آن حاصل شد. در این دوران بازار دارای دو نقش اصلی تولید و تجارت در کنار هم بوده است. از گروه‌های تولیدی موجود می‌توان به بازار زرگرها، مسگرها و گیوه‌کش‌ها اشاره نمود. از گروه‌های تجاری بازار نیز می‌توان از بازار بزازها، علافها و قیصریه نام برد. همچنین بازار قزوین در برگیرنده فضاهای خدماتی از قبیل کاروانسراها، سراها و دالان‌ها است. کاروانسراها به عنوان مرکزی برای توقف کاروانیان و انجام فعالیت‌های بازرگانی مورد استفاده قرار می‌گرفتند که از دوران پهلوی تاکنون بسیاری از این کاروانسراها، تغییر کاربری داده^{۴۰}، تعدادی مخروبه^{۴۱} و تعدادی نیز به فعالیت خود ادامه می‌دهند^{۴۲} (عزیزی، ۱۳۸۱، ۱۲۲). تغییر کاربری گسترده و افزایش تجاری‌سازی در بافت تاریخی منجر به تنزل جایگاه اقتصادی و تجاری بازار تاریخی شهر و از بین رفتن مشاغل سنتی و قدیمی و تغییر نحوه معیشت شهروندان شده است. همچنین با رواج ساخت خیابان‌ها در شهر قزوین و انتقال بخش عمده‌ای از فعالیت‌های اقتصادی به لبه‌های خیابان‌ها، نقش بازار به عنوان مهمترین بخش اقتصادی- اجتماعی شهر در مقابل حضور خیابان کمرنگ می‌شود.

شرح تغییرات اجتماعی: نخستین سرشماری در شهر قزوین هنگام حکمرانی شاهزاده عباس میرزا ملک آرا، برادر ناتنی ناصرالدین شاه به سال ۱۲۹۸ و ۱۲۹۹ قمری توسط کدخدایان هر محله از محلات شانزده‌گانه شهر، صورت گرفت، اما در این سرشماری از دستورات عمل جامع و واحدی تبعیت نشد و میزان اطلاعات کامل و مطلوبی از تمام مناطق شهر به دست نمی‌آید. در این سرشماری جمعیت شهر ۳۲۳۸۹ نفر برآورد شده است. دومین سرشماری قزوین در سال ۱۳۳۵ به انجام رسید (دبیرسیاقی، ۱۳۸۰). آخرین سرشماری صورت‌گرفته در قزوین در سال ۱۳۹۵ بوده است که متوسط رشد سالانه جمعیت ۱/۱۷ درصد برآورد گردید (جدول ۲) و جمعیت شهر قزوین ۴۰۲۷۴۸ اعلام شد (گزیده سرشماری نفوس و مسکن استان قزوین، ۱۳۹۵). این افزایش جمعیت شهری خود مصداق بارز گرایش به شهرنشینی و شهرگرایی در این محدوده بوده و زمینه‌ساز ایجاد تغییر در شهر و یا منظر شهر تاریخی است؛ چرا که منجر به افزایش تردد و حمل و نقل سواره درون شهری، افزایش خودرو و لزوم افزایش تجهیزات، تأسیسات و خدمات شهری می‌شود.

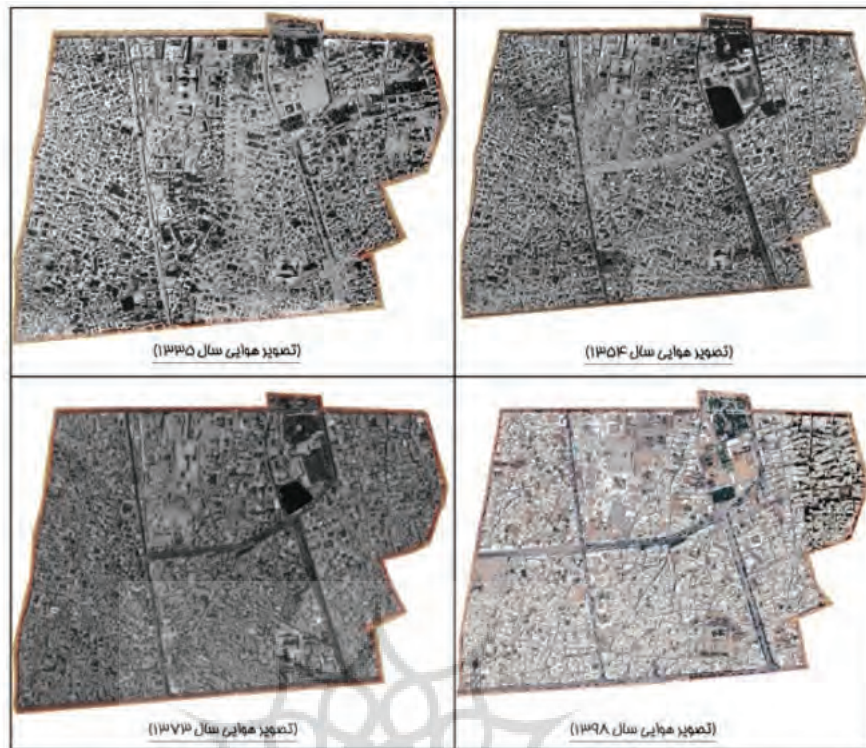
جدول ۲. جدول جمعیت شهر قزوین طی شش دوره سرشماری

| شهر | جمعیت | | | | | |
|-----|--------|--------|--------|--------|--------|--------|
| | قزوین | ۱۳۵۵ | ۱۳۶۵ | ۱۳۷۵ | ۱۳۸۵ | ۱۳۹۰ |
| | ۱۳۹۲۵۸ | ۲۴۸۵۹۱ | ۲۹۱۱۱۷ | ۳۵۵۳۳۸ | ۳۸۱۵۹۸ | ۴۰۲۷۴۸ |

منبع: گزیده سرشماری نفوس و مسکن استان قزوین، ۱۳۹۵

در این راستا می‌توان به تخریب باغستان سنتی قزوین به اسم توسعه و تجهیز شهر اشاره نمود، به‌طوریکه حلقه باغستان دورتادور شهر امروز به عرض متوسط ۲/۵ کیلومتر رسیده و دچار تخریب وسیع بر اثر ایجاد تأسیسات شهری، راه و جاده‌های متعدد در دل باغستان شده که این مسبب برهم خوردن رابطه پایدار انسان و محیط در منظر شهر تاریخی قزوین بوده است و نیز موجب آسیب رساندن به عناصر و خصیصه‌های مختلف طبیعی، انسانی و مصنوع باغستان شده و حیات آن را تهدید می‌کند (اندرودی، صحراکاران، ۱۳۹۶).

بررسی تغییرات کالبدی: بر اساس عکس‌های هوایی و از طریق نرم‌افزار ArcGIS10 تغییرات محدوده پژوهش در سه بعد بلوک‌های مسکونی، راه‌ها و فضای سبز طی سال‌های ۱۳۳۵، ۱۳۵۴ و ۱۳۹۸ مورد بررسی و مقایسه قرار گرفتند (شکل ۱۰). از بررسی تصاویر هوایی مشاهده می‌شود که در سال ۱۳۳۵ بافت محله‌ها از پنج بخش شامل شبکه‌های دسترسی، فضاهای مذهبی تاریخی، واحدهای مسکونی، فضاهای سبز باغات، زمین زراعی و فضاهای رها شده تشکیل شده است. فضای سبز باغات در شرق، شمال شرقی، جنوب و جنوب‌غربی و فضاهای رها شده به صورت پراکنده در سطح محدوده وجود دارند و واحدهای مسکونی غالباً به صورت خانه باغ در اندازه‌های مختلف به طور حدودی بین ۳۰۰ تا ۵۰۰ و ۵۰۰ تا ۸۰۰ و بالاتر از ۱۰۰۰ مترمربع بوده‌اند. در تصویر هوایی سال ۱۳۵۴ قطعات بزرگ سبز محدوده شمال شرق و جنوب غرب تفکیک شده است که مساحت قطعات آن به ۵۵ تا ۴۰۰ مترمربع ۴۳ رسیده و قطعات بزرگ به ۲، ۳ و یا ۴ قطعه تقسیم شده‌اند. اما همچنان قطعات دُرشت دانه در بافت مشاهده می‌شود. از این تاریخ جداره خیابان‌ها در حال تبدیل به محور تجاری هستند. خیابان کوروش احداث شده اما جاده خاکی است. این خیابان، با تخریب خانه‌های موجود بر سر راه خود، بخش مسکونی محله خیابان و سرک‌چهریجان را، کامل جدا نموده است. خیابان دیگری نیز در بخش جنوبی محدوده پژوهش به نام خیابان منتظری در این دوران احداث شد که منجر به تخریب کامل بافت مسکونی بر سر راهش در محله‌های خیابان، خندق بار و بخشی از محله دباغان شد. در تصویر هوایی سال ۱۳۷۳ نیز مشاهده می‌شود که تمامی بافت محله‌ها زیر ساخت و ساز قرار گرفته و اکثر باغات و خانه باغ‌ها و باغچه‌ها تفکیک و به عبارتی قطعات کوچک‌تر شده‌اند. در تصویر هوایی سال ۱۳۹۸ نیز قطعات کوچک‌تر شده و باغچه‌ها و خانه‌باغ‌ها تقریباً از بین رفته است و افزایش فضاهای مخروبه و متروکه مشاهده می‌شود (شکل ۷).



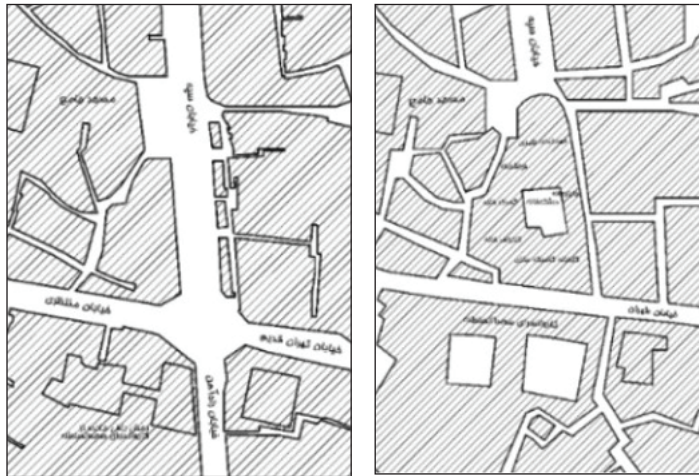
شکل ۷. تصاویر هوایی محدوده مورد مطالعه در سال‌های ۱۳۳۵، ۱۳۵۴، ۱۳۷۱ و ۱۳۹۸

منبع: سازمان نقشه برداری کشور

معرفی تغییرات ریختی قطعات: در اینجا شهر به صورت کلی مرکب از اجزا در نظر گرفته شده است. این اجزا عبارتند از محلات شهری که هریک با یک الی دو مرکز محله، مرکز شهر و گذرهای اصلی به مثابه عناصر پیوند دهنده مراکز محلات با هم و با مرکز شهر در ارتباط بودند و واحدهای مسکونی نیز غالباً با حیاط مرکزی نسبت به هم قرار داشتند و نظم ساختاری آنها، نتیجه رعایت اصولی بود که بر اساس آن خانه‌های مجاور شکل گرفته بودند؛ همگی نظام به هم پیوسته‌ای را شکل می‌دادند که در خیابان‌کشی‌های قرن حاضر از هم گسیخت (توسلی ب، ۱۳۹۵، ۸۷). ساختار فضایی شهر قزوین تا قبل از دوره پهلوی بیشتر بر پیوند فضایی میان عناصر مرکز شهر و مراکز محلات استوار بود و از طریق یک رشته فضاها و عناصر ارتباط‌دهنده مانند بلوک‌های مسکونی، گذرها و میدان‌های اصلی به یکدیگر مرتبط می‌شدند که پس از خیابان‌کشی‌های صورت گرفته از دوران پهلوی تاکنون، این رشته فضاها از هم گسست.



شکل ۸. (راست) ترکیب اولیه خیابان میدان عالی‌قاپو قبل از کشیدن خیابان کوروش (۱۳۳۵) / (چپ) میدان عالی‌قاپو بعد از کشیدن خیابان کوروش (۱۳۵۴)



شکل ۹. (راست) ترکیب اولیه خیابان سپه و مهمانخانه قاجاری در سال ۱۲۹۸ شمسی / (چپ) ترکیب خیابان سپه و خیابان‌های تهران قدیم بعد از کشیدن خیابان راه‌آهن در سال ۱۳۹۸ شمسی

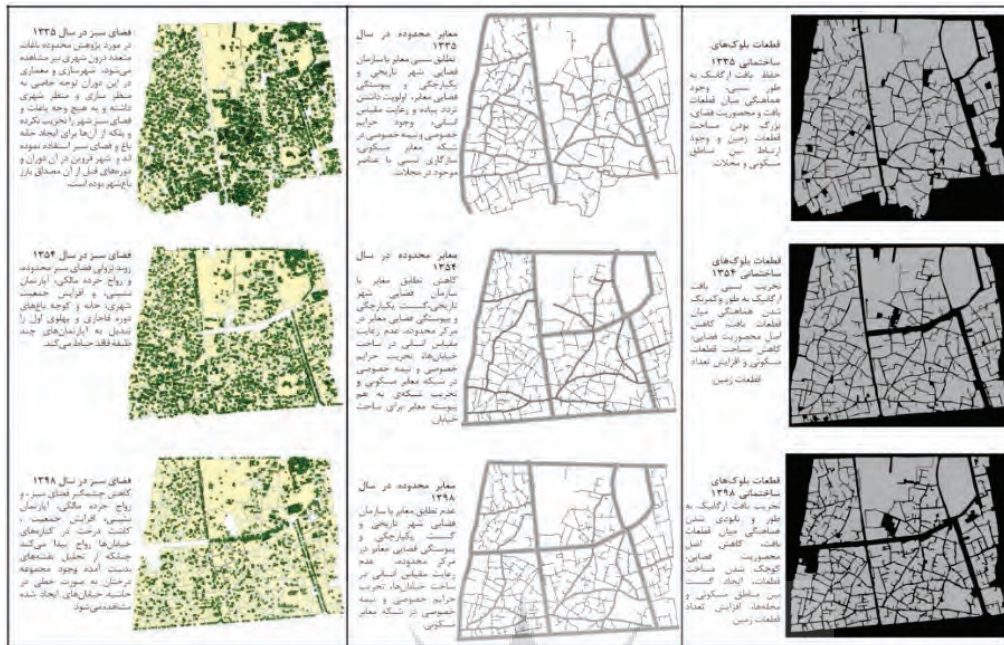
منبع: برگرفته از نقشه هوایی ۱۹۱۹ قزوین و نقشه مجموعه دولتی قزوین قبل از کشیدن خیابان راه‌آهن، برگرفته از (نقشه شهر قزوین در نخستین اجلاس مجمع جهانی شهراسلامی و پرهیزکاری، ۱۳۸۶، ۳۷)

توصیف مهم‌ترین تغییرات معابر: خیابان‌ها چارچوب، بدنه و ساختار اصلی فرم هر شهر را تشکیل می‌دهند و تعیین‌کننده فرم هر شهر، شبکه خیابان‌ها و معابر آن است. اساس هویت، شناسایی و مقایسه فرم و شکل شهرها می‌تواند در وهله اول از طریق شبکه خیابان‌ها یا معابر آن انجام پذیرد (بحرینی، ۱۳۹۳، ۴). در بافت تاریخی شهر قزوین نیز همواره نوعی از به هم پیوستگی فضایی در گذرهای اصلی وجود داشته است و معابر ترکیبی از میدانچه‌های به هم پیوسته بودند که این میدانچه‌ها حالتی نیمه خصوصی داشتند. با بررسی‌هایی که در این پژوهش صورت گرفت، می‌توان ادعا نمود که قزوین از دوران پهلوی اول تاکنون همواره با احداث خیابان‌های عریض و غیرضروری روبه‌رو بوده است. مداخلات صورت گرفته در شهر که منجر به تخریب بافت و یا تعریض معابر در آن شده، علاوه بر ویژگی‌های کالبدی و شکلی شهر، بر ویژگی‌های مفهومی و محتوایی آن نیز تأثیر گذاشته است. با توجه به این مهم، که بخشی از فعالیت‌های عمومی و خصوصی ساکنان شهر در معابر و خیابان‌های آن صورت می‌گیرد، مداخلات شهری از نوع ساخت خیابان و یا تعریض معابر علاوه بر شکل شهر، بر مفاهیم، معانی، معیشت، رفتارها و نگرش‌های جامعه و در نهایت بر نوع زندگی آنان نیز تأثیرگذار خواهد بود. تغییرات حاصل از خیابان-کشی‌های دوره‌های مختلف در قزوین غالباً از نوع تخریب یا تعریض بوده‌اند. نوع مداخله از نوع تخریبی به معنای تخریب بافت مسکونی و کالبد بناهای موجود بر سر راه آن خیابان بوده است و منظور از مداخله تعریضی آن دسته از خیابان‌هایی است که بستر راه آن‌ها از گذشته بر اثر عوامل طبیعی چون رودخانه، مسیر سیلاب و یا نوع توپوگرافی زمین وجود داشته و در طی دوره‌های مختلف شهرسازی، تبدیل به معابری میان بافت مسکونی شده‌اند که پس از رواج ساخت خیابان و پیاده‌سازی طرح‌های تفصیلی به طور خاص از دوره پهلوی اول به بعد، دستخوش تعریض معبر جهت تردد خودرو گردیده‌اند. چنانچه در شکل ۶ دوره‌بندی ساخت خیابان‌های شهر قزوین، نمایش داده شد بیشترین خیابان‌کشی‌های صورت گرفته در دوره پهلوی اول و دوم و نهایتاً در دوره جمهوری اسلامی در شهر، رخ داده و حجم زیادی از این تخریب‌ها در پروژه احداث خیابان شهید انصاری و خیابان منتظری بوده است. از تصاویر هوایی سال ۱۳۵۴ مشاهده می‌شود که ساخت این خیابان‌ها منجر به تخریب بافت مسکونی و املاک موجود در مسیرشان گردید. در جدول ۳ تغییرات و اثرات ناشی از احداث خیابان‌ها در محدوده مورد پژوهش نشان داده شده است.

جدول ۳. جدول بررسی تغییرات ناشی از خیابان‌کشی‌های صورت گرفته در محدوده مورد پژوهش در بافت تاریخی شهر قزوین

| نام خیابان | دوره ساخت | نوع تغییر در معابر | | تغییرات ایجاد شده در محدوده پژوهش | تأثیرات حاصل از وقوع تغییر در ابعاد | | |
|-----------------------------|---------------------------|--------------------|------------|---|-------------------------------------|---------|---------|
| | | تخریب بافت | تعریف معبر | | کالبدی | اجتماعی | اقتصادی |
| سپه | صفویه | * | | - تخریب بخشی از بافت مسکونی شهر متعلق به دوره‌های پیش از صفویه | * | * | * |
| رشت (امام خمینی) | صفویه | | * | - به علت اینکه قبلاً بستر این راه وجود داشته، ساخت این خیابان با پیامد خاصی روبرو نشد. | * | * | * |
| پیغمبریه | صفویه | | * | - به علت اینکه قبلاً بستر این راه وجود داشته، ساخت این خیابان با پیامد خاصی روبرو نشد. | * | * | * |
| مولوی | صفویه | | * | - به علت اینکه قبلاً بستر این راه وجود داشته، ساخت این خیابان با پیامد خاصی روبرو نشد. | * | * | * |
| شاه (طالقانی) | قاجار | | * | - به علت اینکه قبلاً بستر این راه وجود داشته، ساخت این خیابان با پیامد خاصی روبرو نشد. | * | * | * |
| تهران قدیم (واپور یا طهران) | قاجار | * | * | - افزایش ورود وسایل نقلیه به درون شهر - کم‌رنگ شدن گذرهای شهری از جمله راهری | * | * | * |
| شاهپور (هلال احمر) | پهلوی اول | * | * | - تخریب بخشی از باغات صفویه - تخریب ایوان‌نآدری - نابودی پیوستگی فضایی باغ صفوی و مجموعه دولتخانه | * | * | * |
| شهید منتظری | پهلوی اول | * | * | - تخریب بافت مسکونی شهر - تخریب پیوستگی فضایی شهر - نامرغوبی بدنه خیابان احداث شده - عدم سازگاری یا منظرسازی شهری | * | * | * |
| کوروش (شهید انصاری) | پهلوی دوم و جمهوری اسلامی | * | * | - تخریب بافت مسکونی شهر - تخریب پیوستگی فضایی شهری - تخریب خانه‌ها با قدمت بیش از ۱۰۰ سال - نامرغوبی بدنه خیابان تازه احداث شده | * | * | * |

توصیف حجم تغییرات فضای سبز: بررسی تصاویر هوایی و نقشه‌ها طی دوره‌های مختلف، حاکی از آن است که غالب خانه‌های قزوین تا سال ۱۳۳۵، خانه‌باغ با حیاط مرکزی بوده و در محلات مورد پژوهش محدوده باغات درون شهری متعدد مشاهده می‌شود. چنانچه برمی‌آید شهرسازی و معماری در این دوران توجه خاصی به منظرسازی و منظر شهری داشته و نه تنها باغات و فضای سبز شهر را تخریب نکرده است، بلکه از آن‌ها برای ایجاد خانه‌باغ و فضای سبز استفاده نموده‌اند. چنین می‌توان برداشت نمود که شهر قزوین در آن دوران و دوره‌های قبل از آن مصداق بارز باغ‌شهر بوده است، اما به مرور در طی سال‌های ۱۳۵۴ تا ۱۳۹۸ روند نزولی فضای سبز مشاهده می‌شود و رواج آپارتمان‌نشینی و افزایش جمعیت شهری، خانه و کوچه باغ‌های شهر را تبدیل به آپارتمان‌های چند طبقه و فاقد حیاط کرده است؛ به‌نحویکه امروزه ساخت پارکینگ برای خودروهای ساکنان در صنعت آپارتمان‌سازی، بر ساخت حیاط مرکزی ارجحیت دارد. همچنین کاشت درخت در کنار خیابان‌ها رواج پیدا می‌کند چنانکه تحلیل نقشه‌ها نیز نشان می‌دهد، ایجاد مجموعه درختان به صورت خطی در حاشیه خیابان‌ها مشاهده می‌شود. در شکل ۱۰ روند کاهش فضای سبز و پراکندگی آن مشخص شده است.



شکل ۱۰. نقشه موضوعی بررسی تغییرات ریختی قطعات مسکونی، راه‌ها و فضای سبز در طی سال‌های ۱۳۳۵، ۱۳۵۴ و ۱۳۹۸ در نرم‌افزار ArcGIS10، در محدوده پژوهش واقع در بافت تاریخی شهر قزوین

تحلیل یافته‌ها

با بررسی‌های صورت‌گرفته در مشخصات منظر تاریخی شهر قزوین، تغییرات محدوده مرکزی بافت تاریخی قزوین که شامل هفت محله بلاغی، خیابان، سرک‌وچهریحان، دیمج، آخوند و بخشی از محله خندق بار می‌شود، نتایج حاصله حاکی از آن است که: طی سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۸ تعداد قطعات و بلوک‌های مسکونی افزایش یافته و مساحت آن‌ها کوچک‌تر شده است. بافت ارگانیک شبکه مسکونی و محله‌ای بافت تاریخی رو به نابودی قرار دارد، در بخش راه‌ها نیز بر اثر اجرای طرح‌های تفصیلی و طرح تعریض معابر، تعداد معابر بن‌بست در شبکه معابر افزایش یافته و بر اثر ساخت خیابان‌های متعدد، شبکه به هم پیوسته معابر تخریب شده‌اند. در ارتباط با فضای سبز نیز کاهش چشمگیر فضای سبز و پراکندگی آن مشاهده می‌شود.

بررسی موارد اشاره شده نشان می‌دهد که تغییرات کالبدی بر اثر اجرای طرح‌های جامع شهری^{۴۴}، تفصیلی^{۴۵} و ساختاری-راهبردی^{۴۶} که ناشی از اهداف و سیاست‌های کلان اقتصادی، سیاسی و اجتماعی برنامه‌ریزی می‌شوند، مسبب بروز تخریب‌های گسترده در بافت تاریخی، فرسودگی کالبدی و گسترش شهر هستند. از منظر اقتصادی نیز تغییر کاربری گسترده و افزایش تجاری‌سازی در بافت تاریخی منجر به تنزل جایگاه اقتصادی و تجاری بازار تاریخی و سنتی شهر، از بین رفتن مشاغل سنتی و قدیمی و تغییر نحوه معیشت شهروندان شده است. همچنین خروج ساکنان اصیل از بافت تاریخی و نیز تغییر در ذائقه و شیوه زندگی مردم تحت تأثیر مدرنیزاسیون و حضور فن‌آوری‌های جدید^{۴۷} و لزوم ارائه خدمات رفاهی، آموزشی و بهداشتی برای شهروندان از جمله تغییراتی هستند که در ابعاد فرهنگی و اجتماعی به وقوع پیوسته است.

به طور کلی هر تغییری که در مناظر تاریخی شهری رخ می‌دهد توسط نیروها و یا عواملی هدایت شده است. بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت که هدایت‌کنندگان اصلی تغییرات در منظر تاریخی شهر قزوین شامل عوامل سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، تکنولوژی و طبیعت مانند: افزایش جمعیت، توسعه شهری و زیربنایی،

تغییر الگوی زندگی مردم شهر، صنعتی شدن و تجاری سازی، فرسودگی و تغییرات محیط زیست هستند که به صورت غیرمستقیم تغییر در بافت تاریخی شهر قزوین را رقم زده اند (جدول ۴). همچنین عواملی به صورت مستقیم در ابعاد کالبدی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی تغییر در بافت تاریخی شهر قزوین را به بار آورده اند که شامل طرح ها و برنامه های کلان توسعه شهری، تجاری سازی، رواج شهرگرایی و شهر نشینی می شوند (جدول ۵). لذا می توان برداشت نمود که علل بنیادین ایجاد نیروهای هدایت کننده تغییر در شهر، اساس جامعه انسانی، فرآیندهای طبیعی زمین، گذر زمان و فرسودگی های حاصل از آن و پیشرفت تکنولوژی است.

جدول ۴. متغیرهای بافت تاریخی شهر قزوین با تأثیر غیرمستقیم

| عوامل به وجود آورنده تغییر در بافت تاریخی شهر قزوین با تأثیر غیرمستقیم | | | | هدایت کنندگان اصلی تغییر در بافت تاریخی شهر قزوین |
|--|---|-------------------------------|----------|---|
| سیاست توسعه اقتصادی | قوانین حقوقی و مالکیتی | سیاست توسعه فضایی | سیاست | |
| تنزل جایگاه اقتصادی بازار تاریخی | بازار املاک | رشد بازار و تجارت | اقتصاد | |
| رفتارهای فردی و خانوادگی | نگرش های عمومی، ارزش ها و اعتقادات | تعدد جمعیت، توزیع و ساختار سن | فرهنگ | |
| ماشینی شدن شهرها | تغییر الگوی و نیازهای زندگی روزمره مردم | مدرنیزاسیون تکنولوژیک جامعه | تکنولوژی | |
| توپوگرافی و پیکربندی زمین | خصوصیات خاک | آب و هوا | طبیعت | |

جدول ۵. متغیرهای بافت تاریخی شهر قزوین با تأثیر مستقیم

| عوامل به وجود آورنده تغییر در بافت تاریخی شهر قزوین با تأثیر مستقیم | | | ابعاد | عوامل بروز تغییر در بافت تاریخی شهر قزوین |
|---|---|---------------------------------------|---------|--|
| توسعه و گسترش شهر و متروک شدن بافت تاریخی | فرسودگی کالبدی شهر و زیرساخت های شهری | طرح و برنامه ریزی شهری کلان | کالبدی | |
| افزایش قیمت زمین و رواج خرده مالکی | به حاشیه رفتن بازار سنتی نابودی مشاغل قدیمی | تجاری سازی و گسترش مراکز تجاری در شهر | اقتصادی | |
| خروج ساکنان اصیل از بافت تاریخی | عدم پاسخگویی به نیازهای روزمره زندگی مردم | رواج شهرگرایی و شهرنشینی | فرهنگی | |
| وقوع ناهنجاری های اجتماعی در مناطق متروک بافت تاریخی | کمبود امکانات خدماتی، رفاهی و آموزش و بهداشتی | افزایش جمعیت | اجتماعی | |

جمع بندی

حفاظت شهری، تلاش برای حفاظت از تمامیت و موجودیت منظر شهری تاریخی و ارزش های ملموس و غیر ملموس آن از طریق مطالعه ابعاد مختلف شهر و درک متناسب از ارزش های متنوع آن است. در این ارتباط ماموریت اصلی مدیران در تصمیم گیری برای میراث شهری، جلوگیری از تبعات احتمالی تصمیم آن ها در به خطر افتادن و تنزل بهره مندی نسل های آینده از میراث گذشتگان است. در چنین شرایطی مدیریت تغییر مبتنی بر ارزش ها، به عنوان یک روش، در صورت توجه و بهره مندی شفاف از حمایت ارزش های فرهنگی در فرآیندهای تصمیم گیری تضمینی برای حفاظت خواهد بود. لذا حفاظت از منظر شهرها در عمل کمک به تداوم فرهنگی شهرهایی است که در معرض تغییرات مختلفی در ارزش ها و کالبد قرار گرفته اند و در مسیر مدیریت این تغییرات و دستیابی به اصولی مناسب برای اقدامات حفاظتی در شهرهای تاریخی، پاسخ به این دو سوال اجتناب ناپذیر خواهد بود: در آینده تغییر شهری، چه چیزی می تواند تغییر کند؟ چه چیزی باید حفظ شود و چه مقدار قابل تغییر است؟

مطالعات مرتبط با این پژوهش نشان داد گام مهم در مدیریت تغییر، تجزیه و تحلیل دقیق منظر شهر تاریخی قبل از ایجاد هرگونه تغییر در آن و نیز شناسایی نیاز به تغییر، برای دستیابی به درک کاملی از محیط، مردم و نیروهایی است که در شکل‌گیری پاسخ‌های فرهنگی متمایز امروز نقش ایفا می‌کنند. لذا در ارتباط محدود مورد پژوهش یعنی بخش مرکزی بافت تاریخی شهر قزوین ارزش‌ها و مولفه‌های اصالت‌بخش که از جمله ویژگی‌های منظر شهر تاریخی قزوین هستند در دو بُعد شناسایی شدند، نخست زمینه فرهنگی-تاریخی که شامل مجموعه بافت تاریخی، بناهای تاریخی، معابر و خیابان‌های تاریخی، باغات و درختان کهنسال شده و دوم در بُعد اقتصادی-اجتماعی بوده که شامل ساکنان اصیل بافت، مشاغل با اصالت و آداب و رسوم و آیین‌های تاریخی-مذهبی شهر است که می‌بایست در برابر تغییرات حفاظت شوند.

تأثیرات حاصل از وقوع تغییر در بخش مرکزی بافت تاریخی قزوین نیز مسبب بروز تخریب‌های گسترده در بافت تاریخی، فرسودگی کالبدی و گسترش شهر شده‌اند. از منظر اقتصادی، تغییر کاربری گسترده و افزایش تجاری‌سازی در بافت تاریخی منجر به تنزل جایگاه اقتصادی و تجاری بازار تاریخی و سنتی شهر و از بین رفتن مشاغل سنتی و قدیمی و تغییر نحوه معیشت شهروندان شده است. همچنین خروج ساکنان اصیل از بافت تاریخی و نیز تغییر در شیوه زندگی مردم تحت تأثیر مدرنیزاسیون و حضور فن‌آوری‌های جدید و لزوم ارائه خدمات رفاهی، آموزشی و بهداشتی برای شهروندان از جمله تغییراتی هستند که در ابعاد فرهنگی و اجتماعی به وقوع پیوسته‌اند. بر این اساس رویکرد مدیریت تغییر برای بخش مرکزی شهر قزوین باید منحصر به هر یک از محله‌های مورد پژوهش باشد. چراکه نواحی درون محله‌ای یا برون محله‌ای که لبه خیابان‌ها می‌شود باید برای نگهداری از حس‌های مختلف مکان توسط ابعاد مختلف شهری محافظت شوند. در اصل فضاهای بیرونی باید بتوانند به تداوم فعالیت‌های تجاری-منطقه‌ای و حفاظت از منظر شهری تاریخی کمک کنند و فضاهای درون محله‌ای نیز باید بتوانند از کیفیت زندگی سنتی محیط معابر و مراکز محله‌ای و بافت فرهنگی اجتماعی اصیل محافظت کنند. بدین‌منظور الگوی موجود در زندگی روزمره در فضاهای عمومی محله‌های تاریخی مانند مرکز محله‌ها، معابر و مجموعه‌های تاریخی در فضای داخلی یک محله که همواره منعکس‌کننده وضعیت کارکردی آن منطقه است باید در برابر تغییر محافظت شوند. لذا در برنامه‌ریزی و مدیریت محله‌های تاریخی قزوین می‌بایست محیط اطراف و زمینه‌های مختلف شهری آن‌ها نیز مورد توجه قرار گیرند.

پی‌نوشت‌ها

1. Urban Development
2. Change
3. Change Management
۴. مجموعه بازار قزوین که در بافت تاریخی شهر است به صورت یک محور بسیار قوی ارتباطی، مرکز پررونق داد و ستد و نقطه حساسی از نظر عملکردهای شهری است.
۵. بافت کهن محله‌های قزوین شکل ارگانیک دارد و شبکه ارتباط هر محله نیز تابع شکل کلی محله است. قاعده اصلی بر اساس سلسله مراتب دسترسی است که ابتدا از خانه وارد هشتی و کوچه بن‌بست شده، سپس به کوچه فرعی رسیده و پس از آن به راسته و کوی‌های اصلی (گذرها) ارتباط پیدا می‌کند و از طریق گذرهای اصلی (که شریان‌های ارتباطی شهر بودند) محلات در الگویی خوشه‌ای به تنه اصلی و ساختاری شهر، یعنی بازار ارتباط پیدا می‌کردند، مجموع این خوشه‌خانه‌ها شکل اصلی شهر را به وجود می‌آوردند (مجبایی، ۱۳۸۸، ۱۲۳).
۶. بخش تاریخی شهر قزوین دارای قدمت تاریخی چند هزارساله است و دوره‌های تاریخی متعددی به خود دیده که در هر دوران بناهای با ارزشی در آن ساخته شد که برخی از آن‌ها تا به امروز باقی مانده و قابل مشاهده است. از جمله این بناها از قبیل عمارت چهل ستون، سردر عالی قاپو، گراند هتل، عمارت سردار مخفم، مسجد جامع، مسجد حیدریه، مسجد النبی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

- و مساجد تاریخی دیگر، آب انبارها، سقاخانه‌ها، مسجدومدرسه‌های متعدد، خانه‌ها و دروازه‌های تاریخی و ... است.
۷. باغستان سنتی قزوین جزو یکی از بزرگترین و مهمترین مراکز فعالیتی اقتصادی شهر قزوین از گذشته تا به امروز بوده است، وسعت آن امروز به ۲۵۰۰ هکتار می‌رسد. باغستان قزوین اثرات زیست‌محیطی متنوعی دارد، از جمله با آبیگری از رودخانه‌های فصلی به صورت آبخوانی متمرکز به ظرفیت ۳۶ میلیون متر مکعب سفره‌های آب زیر دست را تقویت می‌کند. طراحی انهار آبیاری به نحوی است که سیلاب‌ها را تقسیم کرده و قابل استفاده برای آبیاری باغات می‌نماید و شهر قزوین را خسارت سیل مصون می‌دارد، در پالایش هوا و خنک نمودن باگرم جنونی سبب جلوگیری از ورود گرد و غبار به شهر می‌شود (مجابی، ۱۳۸۸، ۱۱۵).
۸. تعداد آثار ثبتی بناهای تاریخی در استان قزوین ۱۳۸۴ اثر است (iribnews.ir).
۹. آغاز تحولات و اصلاحات شهرسازی در قزوین، به منظور توسعه و گسترش شهر و یافتن راه‌حلی برای جمعیت رو به افزایش شهری، روند تهیه طرح‌های جامع آغاز گردید که خود زمینه‌ساز مداخلات گسترده در بخش تاریخی شهر و گسترش و توسعه شهر به سمت شمال شد.
۱۰. تا قبل دوره پهلوی طراحی و معماری فضای شهری در قزوین از منظر ترتیب، تنظیم، ارتباط مناسب اجزا و عناصر کالبدی و فضایی دارای هماهنگی بوده که بعد از مداخلات گسترده در بافت تاریخی این هماهنگی از بین رفت.
۱۱. تحول از جهان کاملاً روستایی به آن چیزی که جهان کاملاً شهری نامیده می‌شود (برک‌پور، اسدی، ۱۳۸۸، ۸).
۱۲. آخرین سرشماری صورت گرفته در قزوین در سال ۱۳۹۵ صورت گرفت که متوسط رشد سالانه جمعیت ۱/۱۷ درصد برآورد گردید و جمعیت شهر قزوین ۴۰۲۷۴۸ اعلام شد (گزیده نتایج سرشماری نفوس و مسکن استان قزوین، ۱۳۹۵).
13. The Declaration of San Antonio
14. America, I. C. O. M. O. S. (1996). The Declaration of San Antonio :Authenticity in the Conservation and Management of the Cultural Heritage (ICOMOS National Committees of Americas)
- بیانیه سنت آنتونیو اصالت را در حفاظت و مدیریت از میراث فرهنگی مورد توجه قرار داد.
15. Bernard Feilden & Jukka Jokilehto
16. ICOMOS, A. (2013). *The Burra Charter: The Australia ICOMOS charter for places of cultural significance 2013*. Australia ICOMOS Incorporated
- منشور بورا راهنمایی برای حفاظت و مدیریت مکان‌های برخوردار از منزلت فرهنگی است و بر پایه دانش و تجربه اعضای ایکوموس استرالیا است.
17. The Burra Charter
18. ICOMOS, X. A. D. (2005). ON THE CONSERVATION OF THE SETTING OF HERITAGE STRUCTURES, SITES AND AREAS.
- بیانیه شی‌آن در ارتباط با تضمین حفاظت از بستر سازه‌ها، محوطه‌ها و مناطق میراث به عنوان بخشی از توسعه پایدار است.
19. XI'AN DECLARATION
20. Memorandum, V. (2005). UNESCO. *Vienna Memorandum on World Heritage & Contemporary Architecture-Managing Historic Urban Landscape, World Heritage Centre Paris, 20th May*
21. Vienna Memorandum
22. English Heritage. (2008). Conservation principles : policies and guidance for the sustainable management of the historic environment.
23. Conservation Principles, Policies and Guidance
24. ICOMOS. (2008). *Que bec Declaration on the Preservation of the Spirit of Place*.
- این بیانیه ایکوموس برای صیانت و ارتقای روح مکان‌ها، یعنی ماهیت زنده اجتماعی و معنوی جهت حفظ ارزش‌های یادمان‌ها و محوطه‌ها است.
25. Quebec Declaration
26. Recommendation on the Historic Urban Landscape
27. UNESCO, W. (2011, February). Recommendation on the historic urban landscape. In *Records of the General Conference 36th Session (Vol. 25)*. Paris : UNESCO
28. The Valletta Principles
29. Tainan
30. Belvedere

۳۱. عزیززی، مهناز (۱۳۸۱). بررسی تحولات کالبدی بخش مرکزی قزوین با تأکید بر تغییرات کاربری زمین. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه تربیت معلم تهران.
۳۲. ترکمانها، فائزه (۱۳۸۹). سنجش تطابق توسعه شهر قزوین با سیاست توسعه از درون شهری. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره).
33. Patricia M. O'Donnel & Michael Turner
34. Francesco Bandarin & Ron van Oers
35. Edeard Finch
36. Ana Pereira Roder
37. Kaya Tanriverdi Aysegul
38. Susan Denyer
۳۹. پیش از این پرهیزکاری حدود محلات را بر اساس کتابچه سرشماری شهر قزوین در سال ۱۲۹۸-۱۲۹۹ هجری قمری تعیین کرده‌است (پرهیزکاری، ۱۳۹۸، ۱۶۴).
۴۰. عمده کاروانسراهای موجود در بازار قزوین، تبدیل به انباری‌های اجناس، کارگاه، گاراژ و یا پارکینگ شده‌اند و حجره‌های موجود در برخی کاروانسراها مانند مجموعه سعدالسلطنه نیز اجاره داده شده و دارای کاربری‌های متعددی چون صنایع دستی، کافه، گالری، شیرینی‌پزی، رستوران و... هستند.
۴۱. از جمله کاروانسراهای مخروبه موجود می‌توان به تیمچه سیدکاظم چرم فروش، کاروانسرای حاج موسی، کاروانسرای کلانتر، کاروانسرای دروازه خندق‌بار، کاروانسرای تنکابنی، کاروانسرای چراغعلی، کاروانسرای حاج‌میرحسن و کاروانسرای تیمچه درویش مهدی اشاره نمود (عزیزی، ۱۳۸۱، ۱۲۴).
۴۲. کاروانسرای رضوی (شاه)، سرای وزیر، کاروانسرای حاج امینی، کاروانسرای حاج جواد و تیمچه سرپوشیده همچنان به فعالیت خود ادامه می‌دهند (عزیزی، ۱۳۸۱، ۱۲۴).
۴۳. در طرح جامع مندا متوسط سطح طبقات انواع منازل مسکونی بر اساس گروه‌های درآمد بین ۵۵ تا ۱۷۰ مترمربع، و متوسط سطح فضای باز بین ۶۰ تا ۴۰۰ متر مربع مطرح شده است (طرح جامع مندا، ۱۳۵۰، ۱۷۷).
۴۴. طبق بند دو ماده یک قانون تغییر نام وزارت مسکن (مصوب ۱۳۵۳/۴/۱۶) طرح جامع شهر، طرح بلند مدتی است که در آن نحوه استفاده از اراضی و منطقه‌بندی مربوط به حوزه‌های مسکونی، صنعتی، بازرگانی، اداری، کشاورزی و تأسیسات، تجهیزات و تسهیلات شهری و نیازمندی‌های عمومی شهر، خطوط کلی ارتباطی و محل مراکز انتهایی خط (ترمینال) و فرودگاه‌ها و بنادر و سطح لازم برای ایجاد تأسیسات و تجهیزات تسهیلات عمومی مناطق نوسازی، بهسازی و اولویت‌های مربوط به آن‌ها تعیین می‌شود و ضوابط و مقررات مربوط به کلیه موارد فوق و همچنین ضوابط مربوط به حفظ نماهای تاریخی و مناظر طبیعی، تهیه و تنظیم می‌گردد. طرح جامع شهر بر حسب ضرورت قابل تجدید نظر خواهد بود. طرح‌های جامع شهری وظیفه طرح ریزی کالبدی و هدایت توسعه شهر را برای یک دوره بیست ساله بر عهده دارند. این طرح‌ها مهمترین ابزار در هدایت رشد شهرها و نظارت بر کنترل نحوه استفاده از اراضی هستند.
۴۵. طبق بند ۳ از ماده یک قانون تغییر نام وزارت مسکن (مصوب ۱۳۵۳/۴/۱۶)، طرح تفصیلی، طرحی است که براساس معیارها و ضوابط کلی طرح جامع شهر، نحوه استفاده از زمین‌های شهری در سطح محلات مختلف شهر و مساحت دقیق زمین برای هریک از آن‌ها، وضع دقیق و تفصیلی شبکه عبور و مرور به میزان تراکم جمعیت و تراکم ساختمانی در واحدهای شهری و اولویت‌های مربوط به مناطق بهسازی و نوسازی و توسعه حل مشکلات شهری و موقعیت کلیه عوامل مختلف شهری در آن تعیین می‌شود و نقشه‌ها و مشخصات مربوط به مالکیت بر اساس مدارک ثبتی تهیه و تنظیم می‌گردد.
۴۶. طرح ساختاری- راهبردی، طرحی است که در آن مسائل بحرانی و حساس سنجیده می‌شود و اولویت سرمایه‌گذاری برای تسهیلات زیربنایی مشخص می‌شود و نواحی از شهر که محتاج توجه سریع و پیاده کردن فوری برنامه‌ها هستند، در این نوع طرح‌ها به طور ویژه، مورد مطالعه قرار می‌گیرند. در این روند نه تنها توسعه فعلی و آتی شهر مدنظر قرار می‌گیرد، بلکه بازسازی و بهبود کیفیت سکونت در نواحی قدیمی شهر نیز عملی می‌شود. این نوع برنامه‌ریزی به جمع‌آوری اطلاعات جامع نیازی نداشته، می‌تواند با انعطاف پذیری کامل، جوابگوی نیازهای شهری باشد و در جهت توسعه و الگوی کاربری اراضی شهر، کاملاً موثر واقع گردد.
۴۷. در قرن بیست‌ویکم فضای مجازی همپای فضای شهری به مثابه مکان حل مسائل سیاسی و تضادهای اجتماعی، توجه به محیط زیست، توجه بیش از پیش به جوامع محلی و خرده فرهنگ‌هاست. اواخر قرن بیستم فن‌آوری‌های جدید و انقلاب اطلاعات، چشم‌اندازهای نوینی را در هزاره سوم پدیدار کرده‌است و مفاهیمی چون جهانی شدن و شهر جهانی در حال تولد است که یقیناً تحولات بسیار عمیقی را در طراحی شهری پدید خواهد آورد (هاشم‌زاده همایونی، ۱۳۹۲، ۳۸۶).

فهرست منابع

- اشراقی، احسان (۱۳۹۰). شهر تاریخی قزوین. مجله پژوهش‌های علوم تاریخی، ۲، ۱-۱۶.
- اندرودی، الهام، و صحراکاران، بتول (۱۳۹۶). منظر فرهنگی باغستان سنتی قزوین: بررسی مفاهیم پایه و تحلیل عناصر و خصیصه‌ها در حوزه کالبدی. باغ نظر، ۵۰، ۳۵-۴۴.
- برک‌پور، ناصر، و اسدی، ایرج (۱۳۸۸). مدیریت و حکم‌روایی شهری. تهران: معاونت پژوهشی دانشگاه هنر.
- باندین، فرانچسکو، و ون اوتز، رون (۱۳۹۶). منظر شهری تاریخی: مدیریت میراث در یک قرن (مترجمان: پویا دولابی، پرستو عشرتی و سمیه فدائی‌نژاد). تهران: موسسه انتشارات دانشگاه تهران (نشر اصلی اثر ۲۰۱۲).
- بحرینی، حسین (۱۳۹۳). تحلیل فضاهای شهری. تهران: موسسه انتشارات دانشگاه تهران.
- پرهیزکاری، مهرداد (۱۳۸۶). مهمانخانه بزرگ قزوین، چاپ اول، تهران: روناس، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان قزوین.
- پرهیزکاری، مهرداد (۱۳۹۸). پیشینه مهندسی در قزوین حکایتی از آبادانی. تهران: ره آورد مهر و سازمان نظام مهندسی ساختمان استان قزوین.
- توسلی، محمود (۱۳۹۵ الف). طراحی دسترسی: اصول و روش‌های طراحی شهری و فضاهای مسکونی در ایران. تهران: موسسه انتشارات دانشگاه تهران.
- توسلی، محمود (۱۳۹۵ ب). قواعد و معیارهای طراحی فضای شهری. تهران: موسسه انتشارات دانشگاه تهران.
- ترکمانها، فائزه (۱۳۸۹). سنجش تطابق توسعه شهر قزوین با سیاست توسعه از درون شهری. پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد برنامه ریزی شهری و منطقه‌ای، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره).
- حبیبی، سید محسن (۱۳۷۵). از شار تا شهر. تهران: موسسه انتشارات دانشگاه تهران.
- دبیر سیاقی، سیدمحمد (۱۳۸۰). کتابچه سرشماری شهر قزوین ۱۲۹۸-۱۲۹۹ هجری قمری (ج ۲). قزوین: حدیث امروز.
- عزیز، مهناز (۱۳۸۱). بررسی تحولات کالبدی بخش مرکزی قزوین با تأکید بر تغییرات کاربری زمین. پایان‌نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تربیت معلم تهران.
- علی‌الحسابی، مهرا، و جباری، منا (۱۳۹۰). بررسی تقویت عملکردی-کالبدی استخوان‌بندی شهر قزوین با تأکید بر عنصر راه و میدان در دوران معاصر. آرمان شهر، ۶، ۲۷-۳۴.
- فلامکی، محمدمنصور (۱۳۹۴). نوسازی و بهسازی شهری. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- فیلدن، برنارد م، و یوکیلتو، یوکا (۱۳۹۳). مدیریت در محوطه‌های میراث جهانی (مترجم: پیروز حناچی). تهران: موسسه انتشارات دانشگاه تهران (نشر اصلی اثر ۱۹۹۸).
- گزیده سرشماری نفوس و مسکن استان قزوین (۱۳۹۵). تهران: سازمان آمار ایران.
- مجابی، سیدمهدی (۱۳۸۸). در جست و جوی هویت شهری قزوین. قزوین: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
- مهندسین مشاور شهر و برنامه (۱۳۸۵). طرح توسعه و عمران شهر قزوین و حوزه نفوذ آن.
- مهندسین مشاور مندا (۱۳۵۰). طرح جامع قزوین.
- ورجاوند، پرویز (۱۳۷۸). نگاهی گذرا به چگونگی شکل‌گیری و دگرگونی‌ها و گسترش شهر قزوین. دومین کنگره معماری و شهرسازی ایران، سازمان میراث فرهنگی، ۲۲۳-۲۳۲.
- هاشم‌زاده همایونی، مهرداد (۱۳۹۲). تاریخ طراحی شهری: سرشت و سرگذشت. تهران: یزدا.
- هوشیاری، محمد مهدی، و پدرام، بهنام (۱۳۹۶). بیانیه‌ها و منشورهای ایکوموس شورای بین‌المللی یادمان‌ها و محوطه‌ها. اصفهان: گلدسته.
- America, ICOMOS (1996). *The Declaration of San Antonio: Authenticity in the Conservation and Management of the Cultural Heritage*, ICOMOS National Committees of Americas.
- Andrews, T. D., & Buggey, S. (2008). Authenticity in Aboriginal cultural landscapes. *APT bulletin*, 39(2/3), 63-71.

- Aysegul, K. T. (2016). Method for assessment of the historical urban landscape. *Procedia engineering*, 161, 1697-1703.
- Denyer, S. (2017). Authenticity in World Heritage cultural landscapes: Continuity and change. In Francisco Javier L. Morales and Francisco Vidargas (Ed.), *New views on authenticity and integrity in the World Heritage of the Americas* (60-64). INAH, Mexico: Patrimonio.
- English Heritage (2008). *Conservation principles: policies and guidance for the sustainable management of the historic environment*. <https://historicengland.org.uk/images-books/publications/conservation-principles-sustainable-management-historic-environment/conservationprinciplespoliciesandguidanceapril08web/>.
- Finch, E. (2012). *Facilities change management*. Blackwell.
- Fairclough, G. (2003). Cultural landscape, sustainability, and living with change. *Teutonico and Matero*, 23-46.
- Janssen, J., Luiten, E., Renes, H., & Rouwendal, J. (2014). Heritage planning and spatial development in the Netherlands: changing policies and perspectives. *International Journal of Heritage Studies*, 20(1), 1-21.
- ICOMOS, A. (2013). *The Burra Charter: The Australia ICOMOS charter for places of cultural significance 2013*. Australia ICOMOS Incorporated.
- ICOMOS, X. A. D. (2005). On The Conservation of the Setting on Heritage Structure, Sites and Areas.
- ICOMOS. (2008). Que bec Declaration on the Preservation of the Spirit of Place.
- Liu, W. K. (2011). *Managing change: tensions between urban morphology and everyday life in the heterotopic urban context of Tainan*, PhD Thesis in Architecture, University of Edinburgh.
- Memorandum, V. (2005). UNESCO. *Vienna Memorandum on World Heritage & Contemporary Architecture-Managing Historic Urban Landscape*, World Heritage Centre Paris, 20th May.
- O'Donnell, P. M., & Turner, M. (2012). The historic urban landscape recommendation: a new UNESCO tool for a sustainable future. In *Meeting of IFLA, Cape Tow*.
- Pereira Roders, A. R. (2013). Lessons from island of Mozambique on limits of acceptable change. *Swahili historic urban landscapes*, 40-49.
- UNESCO, W. (2011, February). Recommendation on the historic urban landscape. In *Records of the General Conference 36th Session* (Vol. 25). Paris: UNESCO.
- UNESCO, W. (2011, February). Recommendation on the historic urban landscape. In *Records of the General Conference 36th Session* (Vol. 25). Paris: UNESCO.
- Whitehand, J. W. R., & Gu, K. (2010). Conserving urban landscape heritage: A geographical approach. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 2(5), 6948-6953.

Change Management as an Approach in Pathology and Evaluation of Historical Urban Landscapes

Case Study: Central Area of Historical Fabric of Qazvin

Hannane Taj Ahmadi

M.A. Conservation and Restoration of Historical Buildings and Urban Fabrics, Faculty of Conservation and Restoration, University of Art, Tehran, Iran

Ali ZamaniFard

Associate Professor, Department of Restoration and Conservation of Historical Buildings and Urban Fabrics, Faculty of Conservation and Restoration, University of Art, Tehran, Iran (Corresponding Author)

Abstract

The historic urban landscape is the urban area perceived as the result of a historical layering of cultural and natural values and attributes, extending beyond the notion of “historic centre” or “ensemble” to include the broader urban context and its geographical setting. Over the past century, historic urban landscapes have changed due to economic, societal, political and cultural circumstances. While it is not possible to prevent change, managing these changes is essential for conserving historical cities. Historical urban landscapes are constantly changing, due to the implementation of upstream projects, human activities, and climate change. The change management strategy is a part of the urban conservation process by analyzing changes and effects in detail and trying to neutralize the negative impact of change. This research aims to apply change management in the conservation of historical urban landscape of Qazvin which has been achieved by identifying features of historical districts, studying, evaluating and pathology of the changes. Qazvin, as one of the historical cities of Iran with a significant settlement history in its plains, has a historical fabric with inherent values. A combination of economic structure, historic residential neighborhoods, historic buildings and traditional gardens which together create a valuable collection of features of Qazvin's historic urban landscape. Although a significant number of Qazvin's historical monuments are on the National Monuments List, the city has not been spared from invasions and disproportionate urban occupations, and the scope of development intervention in the city has caused irreparable damage. Along with the change in lifestyles and the increase in urban population, the historical context of the city has been exposed to physical interventions ranging from destruction and widening of streets, street designs and disruption of spatial structure, to environmental degradation and its traditional gardens, which in some cases have led to the disappearance of important parts of the historical city. According to experts, the main reason for these extensive interventions in the historical urban landscape of Qazvin is the influence of the inappropriate management and planning for the city and its citizens. This applied development research is action-oriented. The changes in residential areas, green spaces, and streets have been specifically studied between 1956 and 2019, digitalized and compared using ArcGIS10. As the findings show, the number of residential units is increasing while the area per unit is decreasing. Also, the demolition of connected historical urban pathways and the increase in the number of dead-ends are both the result of implementation of urban development plans. With regard to urban green space, a dramatic decline and division can be clearly observed. Accordingly, it can be concluded that the main drivers of change in Qazvin's historical landscape include political, economic, cultural, technological and natural factors that indirectly cause changes in the city as well as factors such as population growth, and urban and infrastructure development. The lifestyle of city's residents, industrialization, commercialization, wear and tear, and environmental changes have directly changed the historical fabric of Qazvin.

Keywords: Historical town, historical urban landscape, urban change, change management, historical fabric of Qazvin